در بخش نهایی کتاب **اسناد صحیفهٔ سجادیه** به طور جامع مورد بررسی قرار گرفته، و تاریخچهٔ آن تبیین شده، و با گویندهٔ بزرگوار آن یعنی امام سجاد زین‌العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام آشنایی بیشتری حاصل شده و مسیر برای شرح دعاهای صحیفهٔ سجادیه و استخراج گوهرهای عرفانی، اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی هموار گردیده است و دعاها از جلد دوم شروع می‌شود.

قاطبهٔ علما و دانشمندان که صحیفهٔ سجادیه را مورد بررسی قرار داده‌اند، اعم از شیعه و اهل سنت و حتی غیر مسلمانان اعتراف به عظمت اعجازمانند آن کرده‌اند.

از جمله علامهٔ طنطاوی مفتی اسکندریه در مصر و مؤلف تفسیر معروف **الجواهر فی تفسیر القرآن** هنگامی که آیت الله نجفی مرعشی (رحمة الله علیه) یک نسخه از صحیفهٔ سجادیه به ضمیمهٔ نامه‌ای برای او فرستاد از آن هدیهٔ گرانبها بسیار خوشوقت شد و آن را فوق‌العاده ستود و در پاسخ مرحوم آیت الله نجفی مرعشی چنین نوشت:

«نامهٔ گرامی مدتی پیش به ضمیمهٔ کتاب صحیفه علی بن حسین زین العابدین ریحانة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید، کتاب را با دست تکریم گرفتم و آن را کتابی یگانه یافتم که مشتمل بر علوم و معارف و حکمت‌هایی است که در غیر آن یافت نمی‌شود، به راستی این از بدبختی ماست که تاکنون بر این اثر گرانبهای جاوید که از میراث‌های نبوت و اهل‌بیت علیهم‌السلام است دست نیافته بودیم، من هر چه در آن مطالعه و دقت می‌کنم آن را از **گفتار مخلوق برتر و از کلام خالق پایین‌تر** می‌یابم، راستی چه کتاب کریمی است، خداوند شما را در برابر این هدیهٔ عالی بهترین پاداش دهد و به نشر

علم و هدایت موفق و مؤید بدارد، نکتهٔ دیگر این که آیا کسی از علمای اسلام این کتاب را شرح کرده و چیزی از آن شروح نزد شما یافت می‌شود؟».

مرحوم آیت الله نجفی مرعشی در پاسخ به نامهٔ علامهٔ طنطاوی تعدادی از شروح صحیفهٔ سجادیه را نام می‌برد و به همراه آن نامه کتاب ریاض السالکین شرح معروف **مرحوم سید علی خان** را برای او می‌فرستد و او مجدداً نامهٔ تشکرآمیز جالبی برای آن عالم ربانی ارسال می‌دارد.[1]

* * *

امام راحل امام خمینی‌ﷺ هنگامی که کتاب صحیفهٔ سجادیه را به عنوان هدیه برای نوهٔ خود فرستاد در نامه‌ای خطاب به ایشان چنین نوشت:

«صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه ... از بزرگ‌ترین مناجات‌های عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است، کتابی است الهی که از سرچشمهٔ نور خداوند نشأت گرفته و طریقهٔ سلوک اولیاء بزرگ و اوصیای عظیم‌الشأن را به اصحاب خلوتگاه الهی می‌آموزد.

کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیهٔ اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم بدون تکلف الفاظ در شیوهٔ دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان می‌کند، این کتاب مقدس همچون قرآن کریم سفرهٔ الهی است که در آن همه گونه نعمت موجود است و هر کس به مقدار اشتهای معنوی خود از آن استفاده می‌کند».[2]

* * *

---

۱. جریان این نامه نگاری در مقدمهٔ کتاب صحیفهٔ سجادیه با مقدمهٔ آیت الله مرعشی و ترجمهٔ مرحوم سید صدرالدین بلاغی، ص ۳۷ و ۳۸ آمده است.

۲. صحیفهٔ نور، ج ۲۱، ص ۲۰۹.

پروفسور آنه‌ماری محقق آلمانی مسیحی مذهب، هنگامی که دسترسی به «صحیفهٔ سجادیه» پیدا کرد چنین گفت:

«من خودم همواره دعاها، احادیث و اخبار اسلامی را از اصل عربی آن می‌خوانم، بخش کوچکی از کتاب مبارک صحیفهٔ سجادیه را به آلمانی ترجمه و منتشر کردم».[۱]

سپس این نویسنده به تأثیر مهم ترجمهٔ این کتاب بر یک خانم کاتولیک متعصب اشاره کرده، می‌نویسد:

«این خانم کاتولیک وقتی فهمید من دعاهای اسلامی را ترجمه می‌کنم دلگیر شد که مگر در مسیحیت و در کتب مقدسهٔ خودمان کمبودی داریم که تو به ادعیهٔ اسلامی روی آوردی، وقتی کتابم چاپ شد یک نسخه برای او فرستادم، یک ماه بعد تلفن زد و گفت: صمیمانه از هدیهٔ این کتاب متشکرم، زیرا هر روز به جای دعا آن را می‌خوانم».[۲]

* * *

در **موسوعة الفرق المنتسبة للاسلام** که تحت اشراف یکی از علمای بزر اهل سنت شیخ علوی بن عبدالقادر السقاف نوشته شده (در جلد ۶، ص ۸۵) چنین آمده است:

بعد از جریان کربلا که امام سجاد علی بن الحسین علیه‌السلام دردناک‌ترین حوادث را در روز عاشورا مشاهده کرد و سپس آن حضرت را به اسارت توهین‌آمیز به دمشق بردند شب و روز می‌گریست تا آنجا که عنوان «بکاء» (بسیار گریه کننده) لقب گرفت.

---

۱. مقالهٔ آنه‌ماری، شیمل، بانوی شرق‌شناس غربی، ص ۳۲.

۲. همان مدرک.

در این حال طبیعی بود که آن اندوه دائمی را که قلب امام را می‌فشرد در سخنان و خطبه‌هایش تجلی کند و خلافت اموی حاکم را به شدت بکوبد، همان خلافتی که در آن زمان هنوز نام جدش علی‌علیه‌السلام را بر منابر بعد از هر نماز می‌بردند و سبّ می‌کردند.

امام سجادعلیه‌السلام پنجاه و چهار دعا را در یک کتاب جمع کرد، کتابی که به نام دعاهای صحیفهٔ سجادیه نامیده شد، که هر کس این دعاها را بخواند یقین پیدا می‌کند که امام‌علیه‌السلام در این دعاها هرگز تقیه نکرد و خلافت اموی را تحت ضربات سنگین خود قرار داد.

این دعاها به یقین دعاهای انقلابی است و از امامی صادر شده که شاهد مهم‌ترین انقلاب اسلامی از نظر حجم و کوتاه‌ترین آنها از نظر زمان (یعنی واقعهٔ کربلا) بود. هنگامی که امام‌علیه‌السلام نتوانست با خون خود انقلاب کربلا را آبیاری کند با زبانش که همچون شمشیر برنده‌ای بود در آن شرکت جُست!

آری این همان امام سجادعلیه‌السلام است که هنگامی که به زیارت خانهٔ خدا می‌رود حاجیان به عنوان احترام و اکرام راه برای او می‌گشایند، اما خلیفه «هشام بن عبدالملک» این جریان را می‌بیند در حالی که خودش بین مردم مشغول طواف است و کسی به او اعتنایی ندارد و امام‌علیه‌السلام نیز خلیفه را می‌بیند و به او اعتنا نمی‌کند، هنگامی که هشام این جریان را از امام‌علیه‌السلام و از مردم دید به عنوان تجاهل و بی‌اطلاعی از اطرافیان خود سؤال کرد: «**مَن هذا؟**؛ این مرد کیست؟» در حالی که اشاره به امام سجادعلیه‌السلام می‌کرد و مقدّرات چنین اقتضا کرده بود که **فرزدق شاعر** در آنجا حاضر بود، ارتجالاً (بدون مطالعهٔ قبلی) آن قصیدهٔ معروف مهم خود را بیان کرد که هشام شرمنده شد».

بخشی از اشعار او چنین است:

هَذا الّـذی تَـعرِفُ البَـطْحاءُ وَطْأَتَـهُ وَالبَــیْتُ یــعْرِفُهُ وَالحِــلُّ وَالحَـرَمُ

هــذا ابــنُ خَــیرِ عِــبادِ الله کُـلِّهِمُ هــذا التّــقیّ النّـقیّ الطّـاهِرُ العَـلَمُ

وَلَـیْسَ قَـوْلُكَ: مَـن هـذا؟ بـضَائرِه العُرْبُ تَعرِفُ مـن أنکَـرْتَ وَالعَـجمُ

«این همان کسی است که سرزمین مکه جای قدم‌های او را می‌شناسد

خانهٔ کعبه او را می‌شناسد، حِلّ و حرم او را می‌شناسند

این فرزند بهترین بندگان خداست

این انسانی است با تقوا و مشهور در میان مردم

این که تو می‌گویی: این مرد کیست؟ (او را نمی‌شناسم) به او زیان نمی‌رساند

کسی را که تو نمی‌شناسی تمام عرب و عجم او را می‌شناسند».

❊ ❊ ❊

اینها بخش کوچکی از گواهی صاحب‌نظران است.

هــمان‌گونه کـه مـی‌بینیم عـارفان بـه عـنوان درس عـرفان و نسـخهٔ والای سیروسلوک به آن می‌نگرند،

و معلمان اخلاق به عنوان سرچشمهٔ جوشان فضائل اخلاقی

و انقلابیون به عنوان درسی بزر از انقلاب و ادامهٔ قیام عاشورای حسینی و درهم کوبندهٔ نظام حاکمان ظالم و بیدادگر.

تا از کدام دریچه به آن نگاه کنی و چه بهتر که از تمام زوایا تجلیات آن نگاه شود.

با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیـده تـماشا کـنم تـو را

و امیدوارم بتوانیم با ادبیات عصری شرحی را که در خور نیازهای این زمان و جوامع اسلامی و انسانی است ارائه دهیم و از خوانندگان گرامی می‌خواهیم که

پس از مطالعهٔ دقیق این جلد هرگونه پیشنهاد و نظری داشته باشند برای ما بفرستند.

خداوندا بار بزرگی را بر دوش گرفته‌ایم، ما را برای رساندن آن به مقصد یاری ده، «**إِنَّكَ خَيرُ ناصِرٍ وَمُعينٍ**».

در اینجا دست نیاز به درگاه پروردگار ذوالجلال بر می‌داریم و با تمام وجود خود از ساحت مقدّسش تقاضا می‌کنیم: خداوندا! توفیق شرح کامل این اثر گرانبها و سپس هدایت در ضوء آن و عمل به آن را به ما مرحمت کن، **آمین یا رب العالمین**.

ناصر مکارم شیرازی

قم ـ حوزه علمیه

بهمن‌ماه ۱۳۹۴ شمسی

ربیع الثانی ۱۴۳۷ قمری